



توراه اور • پاراشاها בראשית • مامار 10

צאינה וראינה וגו'

برو و بنگر



تقديم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربّه، رب لیوی ییتسخاک

LikuteiTorah.com

پاراشای حسیدی



/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/bereishis/10

1 (שה"ש [שיר השירים] ג) צאינה וראינה וגו'. ביום חתונתו זה מתן תורה וביום שמחת לבו זה בנין בהמ"ק [בית המקדש].

(غزل غزلها ۳) «بیرون آید و بنگرید»، و الی آخر. «در روز عروسی‌اش» – این اشاره به اعطای توراہ است؛ «و در روز شادی دلش» – این اشاره به بنای معبد مقدس است.

להבין למה נמשל מ"ת [מתן תורה] ליום חתונתו ובנין בהמ"ק [בית המקדש] לשמחת לבו. והענין דתפלה הוא במקום קרבנות

[باید] دریابیم چرا اعطای توراہ به «روز عروسی‌اش» و بنای معبد مقدس به «شادی دلش» تشبیه شده است. و مطلب این است که دعا جایگزین قربانی‌هاست.

והנה תפלה נק' עבודה שבלב כמ"ש בגמ' [בגמרא] ע"פ ולעבדו בכל לבבכם איזהו עבודה שבלב זו תפלה ולכן בהמ"ק [בית המקדש] שהוא מקום הקרבת הקרבנות נק' שמחת לבו שהרי הקרבנות הם כענין התפלה שנקרא עבודה שבלב

اکنون، دعا «خدمتِ دل» نامیده می‌شود؛ چنان‌که در گمارا (גמרא) دربارهٔ آیهٔ «و او را با تمام دل خود خدمت کنید» آمده است: «خدمتِ دل چیست؟ این دعاست.» بنابراین معبد مقدس، که محل تقدیم قربانی‌ها بود، «شادی دلش» نامیده می‌شود؛ زیرا قربانی‌ها همانند دعا هستند که «خدمتِ دل» نامیده می‌شود.

ולכן גם עכשיו התפלה בכוונה ובפרט בצבור בבהכ"נ [בבית הכנסת] הנקרא מקדש מעט היא בחי' שמחת לבו כביכול.

بنابراین، حتی اکنون نیز دعایی که با توجه ادا شود، و به‌ویژه [دعای] جماعت در کنیسه – که «مقدسگاهی کوچک» نامیده می‌شود – جنبهٔ «شادی دلِ او» است، کبیכול.

2 והענין דהנה כתיב לבבתני אחותי כלה שכנס"י [שכנסת ישראל] נק' לב דהנה עד"מ הלב באדם ששופע החיות לכל האברים

و مقصود این است: زیرا نوشته شده است: «دل مرا ربوده‌ای (לבבתני, libavtini), ای خواهرم، عرویس [من]»؛ زیرا جماعت اسرائیل (כנסת ישראל, Knesses Yisrael) «قلب» نامیده می‌شود. زیرا به‌عنوان مثالی، قلب در انسان نیروی حیات (חיות, chayus) را به همهٔ اندام‌ها جاری می‌سازد،

דכל הדמים הולכים מן הלב ויוצאים לכל האברים דרך הגידים והעורקים עד סיום כל הגוף כמו גם בציפורני הרגל מגיע חיות הדם שהוא הנפש כידוע.

زیرا همه خون از قلب می‌رود و از راه رگ‌ها و شریان‌ها به همه اندام‌ها جاری می‌شود، تا به انتهای سراسر بدن برسد؛ چنان‌که نیروی حیات خون، که همان نفس است، حتی به ناخن‌های پا نیز می‌رسد، چنان‌که معلوم است.

3 והנה כל הדמים שיצאו מהלב לכל האברים הם חוזרים ושבים ללכת אל הלב והיינו שיש בלב ב' חללים שבחלל אחד בו מתקבצים הדמים העולים מהאברים אל הלב ויוצאים דרך חלל הב'.

اکنون، تمام خونی که از قلب به همه اندام‌ها می‌رود، بازمی‌گردد و دوباره به قلب می‌آید. یعنی قلب دو حفره دارد: در یک حفره، خونی که از اندام‌ها به‌سوی قلب بالا می‌آید گرد می‌آید و سپس از حفرهٔ دوم بیرون می‌رود.

וגם הדם שנתהווה מהמאכלים והמשקים עולה אל הלב ואח"כ יוצא מהלב לכל האברים.

همچنین خونی که از خوراک‌ها و نوشیدن‌ها پدید می‌آید، به قلب بالا می‌آید و سپس از قلب به همه اندام‌ها می‌رود.

והי"ז [והרי זה] כדמיון כל הנחלים הולכים אל הים ואח"כ חוזר חלילה ויוצאים המים מהים אל הנהרות ע"י גידי הארץ כו' ולכן הים איננו מלא כו'.

و این مانندِ «همهٔ نهرها به دریا می‌روند» است؛ سپس این چرخه دوباره تکرار می‌شود و آب از راهِ رگ‌های زمین و غیره، از دریا به نهرها پیرون می‌رود؛ و از این‌رو «دریا پر نمی‌شود» و غیره.

4 והנה כמו"כ [כמו כן] בעבודה שבלב זו תפלה שאז זמן העלאה והתקשרות האהבה של הניצוץ האלקי בהקב"ה ואתערותא זאת בלב הוא דוקא כמ"ש ואהבת כו' בכל לבבך

اکنون، به همین ترتیب، در خدمت قلب، یعنی نماز - زیرا آن هنگام، وقت عروج و پیوند محبت شراره الهی با قدوس متبارک (קב"ה / קודשא בריך הוא، Kudsha Brich Hu) است - و این برانگیختگی به خصوص در قلب است، چنان که نوشته شده است: «و دوست بدار...» «با تمام قلبیت».

וה"ז [והרי זה] כמו קבוץ הדמים מהאברים אל הלב וזהו שמע ישראל שמע לי' [לשון] אסיפה וקבוץ לבתי' ע' רבתי הוא כללות השבע מדות.

و این مانند گردآمدن خون از اندام‌ها به قلب است. و این [مقصود] «بشنو (שמע, Shema)، ای اسرائیل» است: **שמע** واژه‌ای است که بر گردآوردن و فراهم‌آمدن دلالت دارد؛ گردآمدن به مرتبهٔ حرفِ عینِ بزرگ (ע', ayin)، که کلیتِ هفت صفتِ عاطفی (מדות, middos) است.

5 ואהבה זו נמשכת ונולדה ע"י התבוננות בפסוד"ז [בפסוקי דזמרה] ובשמע ישראל. ופי' שמע ישראל ה' אלקינו הוא בחי' יחוד חו"ב [חכמה ובינה] שנקרא בזוהר פ' חיי שרה מחשבה ויובלא.

و این عشق از راه تأمل در آیات ستایش (پسוקی دزמרה, Pesukei deZimra) و در «بشنو، ای اسرائیل» کشیده می‌شود و پدید می‌آید. و معنای «بشنو، ای اسرائیل، ה' אלקינו» این است که مرتبه / جنبه (בחינה, bechinah) یگانگی حکمت (חכמה, Chochmah) و فهم (בינה, Binah) است؛ یگانگی‌ای که زوهر (זהר)، در پاراشای چ"י سارا، آن را «اندیشه» و «یوبیل» می‌نامد.

והענין ע"ד מ"ש בזוהר דבמחשבה א' ברא כל העולמות והוא כענין צופה ומביט עד סוף כל הדורות בסקירה אחת כי מה שנמשך ונתהווה בחי' זמן עבר הוא ועתיד זהו מקורו ושרשו ממדות עליונות

و مطلب از این قرار است که در زوهر آمده است: او با یک اندیشه همه عوالم را آفرید؛ و این همانند [این اندیشه است که] او تا پایان همه نسل‌ها را با یک نگاه می‌بیند و نظاره می‌کند. زیرا آنچه به صورت بُعد زمان – گذشته، حال و آینده – جاری می‌شود و پدید می‌آید، سرچشمه و ریشه‌اش در صفات عاطفی برتر (مדות, middos) است،

וכמ"ש אלף שנים בעיניך כיום אתמול וששת ימ"ב [ימי בראשית] שרשן משה מדות הנ"ל ועל ידי שנמשכו המדות בדבור ומתחלקים לחלקים נעשה מכל מדה אלף שנים ומתחלקים עוד לר"ח וימים ושעות וכו'.

چنان‌که نوشته شده است: «هزار سال در نظر تو چون روز گذشته است»؛ و شش روز آفرینش در شش صفتی ریشه دارند که پیش‌تر ذکر شد. و چون صفات به گفتار جاری می‌شوند و به بخش‌هایی تقسیم می‌گردند، از هر صفت هزار سال پدید می‌آید؛ و آن‌ها باز هم به ماه‌ها، روزها و ساعت‌ها و غیره تقسیم می‌شوند.

آبل בבחי' המחשבה עלאה שלמעלה מהדבור ואפי' [ואפילו] מהמדות דהיינו קודם שנולדו ونמשכו בחי' מדות שם נכלל הכל בסקירה א'.

اما در مرتبه اندیشه برتر، که بالاتر از گفتار و حتی بالاتر از صفات است – یعنی پیش از آن‌که صفات پدید آیند و جاری شوند – همه چیز در یک نگاه دربرگرفته شده است.

6 וזהו פי' הוי"ה אלקינו שהוא בחי' מחשבה כנ"ל. וישראל עלה במחשבה לכן נאמר הוי"ה אלקינו. וכמו שהוא בבחי' זמן כך הוא בבחי' עולם ونפש כי עולם שנה נפש הם.

و این معنای «ה' אלקינו» است: این مرتبه فکر است، چنان‌که پیش‌تر گفته شد. اسرائیل در فکر برآمد؛ ازاین‌رو گفته می‌شود «ה' אלקינו». همان‌گونه که این امر در بُعد زمان صادق است، در بُعد جهان [فضا] و نفس نیز چنین است؛ زیرا آن‌ها [سه‌گانه] «جهان، سال و نفس» هستند.

7 וכיון שהוא למעלה מבחי' שנה כך בחי' מחשבה הנ"ל הוא למעלה מבחי' עולם והוא בחי' סוכ"ע. ואי לזאת יומשך ואהבת שיהי' [שיהיה] הוי"ה אלקיך שיהי' [שיהיה] גלוי בחי' סוכ"ע.

و چون این مرتبه فراتر از بُعد «سال» است، به همین سان مرتبه «فکر» که پیش تر یاد شد، فراتر از بُعد «جهان» است و مرتبه نوری است که همه عوالم را فرا می گیرد (سوبب کل علمین، sovev kol almin). ازاین رو، «و دوست بداری» نازل خواهد شد، تا نام چهارحرفی (ה', Havayah) برای تو «الکید» باشد؛ یعنی مرتبه سوبب کل علمین آشکار گردد.

וענין פסוד"ז [פסוקי دזמרה] שלפני ק"ש [קריאת שמע] היינו בהיות שעד ק"ש [קריאת שמע] הוא בחי' העלאה לבא לבחי' בכל לבבך עד"מ העלאה וקבוץ הדמים מהאברים ללב ע"כ תקנו לומר מזמורים מיוחדים
و اما درباره آیات ستایش که پیش از قرائت شماع گفته می شوند: از آنجا که تا قرائت شماع، مرتبه صعود است تا به مرتبه «با همه دل خود» برسد - به مثابه صعود و گردآمدن خون از اندامها به قلب - ازاین رو، گفتن مزامیر معینی را مقرر کردند،

שמזמור זה הוא העלאה מבחי' אברים אלו ומזמור שני העלאה מאברים אחרים וכמ"ש בכהאריז"ל [בכתבי האריז"ל] שמזמורים דהללוי' [דהללויה] הן ע"ס [עשר ספירות] דיצירה. שבמזמור זה הוא מלכות דיצירה.

تا این מזمور صعودی از مرتبه این اندامها باشد و مزمور دوم صعودی از اندامهای دیگر؛ چنانکه در نوشته های آریزال (האריז"ל)، که یادش گرامی باد، آمده است که زمورهای «הללוי» همان ده مرتبه تجلی (ספירות, Sefiros) عالم صورت بخشی (יצירה, Yetzirah) هستند: این مزمور، فرمانروایی (ملכות, Malchus) در عالم یצירה است،

8 وبمزمור שני נגד יסוד דיצירה כו' ע"ש. וכ"ז [וכל זה] הוא בחי' רצוא והעלאה ואח"כ שמו"ע [שמונה עשרה] בא"י [ברוך אתה ה'] הוא בחי' שוב והמשכה.

و مزمور دوم با بنیاد (یسود, Yesod) در عالم صورت بخشی (יצירה, Yetzirah) متناظر است و جز اینها؛ به آنجا بنگرید. تمام اینها جنبه شتاب صعودی (رצוא, ratzo) و عروج است؛ و سپس دعای هجده برکت (שמונה עשרה, Shemoneh Esreh)، «مبارک هستی تو، ה'»، جنبه بازگشت (שוב, shov) و فرودآوردن است.

וכן עסק התורה ומצות מעשיות והוא כמו שהדמים נמשכים מן הלב לכל הרמ"ח אברים ושס"ה גידים כך המצות נק' רמ"ח אברים דמלכא.

همچنین اشتغال به تورا و انجام عملی فرمانها (מצות, mitzvos)؛ همانگونه که خون از قلب به همه ۲۴۸ اندام و ۳۶۵ پی کشیده می شود، فرمانها (מצوت) نیز ۲۴۸ اندام پادشاه نامیده می شوند.

ומצוה בלא כוונה כגוף בלא נשמה והכוונה הוא התפלה (כמ"ש במ"א ע"פ לא הביט און ביעקב) לכן זהו כמשל התפשטות והמשכת הדם מהלב לכל הרמ"ח אברים.

و فرمانی بدون نیت، مانند پیکری بدون جان است؛ و نیت، دعاست (چنانکه در جای دیگری بر آیه «در یعقوب (יעקب) گناهی ندیده است» توضیح داده شده است). از این رو، این همانند تمثیل گسترش و کشیده شدن خون از قلب به همه ۲۴۸ اندام است.

וכך יובן ג"כ למעלה כי גם בחי' המל' הנה בלילה יורדת לבי"ע וה"ז [והרי זה] כמו ירידת הדם מהלב עד צפורני הרגלים וירידתה זו לברר רפ"ח ניצוצים ואח"כ מחצות לילה מתחלת לעלות והוא כמו שהדמים עולים אל הלב

و از این راه، این امر در عوالم بالا نیز فهمیده می شود: زیرا مرتبه فرمانروایی (ملכות، Malchus) نیز شبها به عالم آفرینش (بریا، Beriah)، عالم صورت بخشی (יצירה، Yetzirah) و عالم عمل (عשיה، Asiyah) فرود می آید؛ و این مانند فرود آمدن خون از قلب تا ناخن های پا است. این فرود او برای پالایش ۲۸۸ جرقه است. سپس، از نیمه شب به بعد، او به عروج آغاز می کند؛ و این مانند بالا آمدن خون به سوی قلب است.

ועי"ז נמשך מהמוח ללב והוא ענין יחוד או"א [آبا ואיما] וזו"נ [זעیر אנפין ونוקبا] בק"ש [בקריאת שמע] ותפלה כו'.

و از راه این [نور]، جریانی از مغز به قلب فرود می آید؛ و این همان پیوند پدر و مادر (آبا ואיما، Abba v'Imma) و نیز پیوند صفات عاطفی (ז"א / زعیر انפین، Z'eir Anpin) و بُعد مؤنث / فرمانروایی (نوکبا، Nukva) در قرائت شماع (שמע، Shema) و در دعا، و جز اینها، است.

וזהו שכנס"י [שכנסת ישראל] נק' לבי לבבתי אחותי כלה (ועמ"ש ע"פ ולבי ער כו' דופק כו' וה' פקד כו') ועיין באגה"ק [באגרת הקודש] בסופו סי' ל"א ד"ה נודע בשערים מ"ש בתקונים:

و از این رو جماعت اسرائیل «دل من» نامیده می شود: «دل مرا ربودی (לבبתי، libavtini)، خواهرم، [عروسم]» (و بنگرید به آنچه درباره آیه «و دل من بیدار است» و جز اینها، «می گوید» و جز اینها، و «و ه' به یاد آورد» و جز اینها، توضیح داده شده است). همچنین بنگرید به Iggeres HaKodesh (آגרת הקודש)، در پایان آن، بخش 31، با آغاز «در دروازه ها شناخته شده است»، درباره آنچه در Tikkunim (تقונים) نوشته شده است.

9 והנה אנו רואים באדם שאם סיבוב והילוך רוח החיים מהלב אל האברים ומהאברים אל הלב הוא כהלכתו אזי האדם בריא בתכלי' [בתכלית].

اکنون می بینیم که اگر گردش و جریان روح حیات از قلب به اندامها و از اندامها به قلب، مطابق روال درست باشد، انسان کاملاً تندرست است.

אך אם יש איזה קלקול באיזהו מקומן כמו איזה אוטם ומכה באיזה אבר המונע ומעכב או ממעט סיבוב והילוך הדם

اما اگر در جایی آسیبی پدید آید، مانند انسداد یا زخمی در یکی از اندامها که مانع گردش و جریان خون شود و آن را بازدارد یا کاهش دهد،

אזי נפסק או מתמעט הקשר הלז המקשר כל האברים אל הלב ואזי נופל האדם למשכב וחולי ה"י [השם ישמרנו] **וצריך רפואה.**

آن‌گاه این پیوندی که همه اندامها را به قلب وصل می‌کند، گسسته یا ضعیف می‌شود؛ و انسان بیمار می‌شود و به بستر می‌افتد، ه' ما را حفظ کند، و به درمان نیاز پیدا می‌کند.

10 וכך הנמשל בעבודה כי עסק האדם כל היום הוא כמשל המשכת החיות מהלב אל האברים

و در نظیر آن، در خدمت [الهی]، نیز چنین است؛ زیرا اشتغال انسان در سراسر روز، به کشاندن نیروی حیات از قلب به اندامها می‌ماند،

דהיינו מהתפלה אל רמ"ח מ"ע [מצות עשה] **רמ"ח אברים וגם לכל מעשה האדם ע"ד וכל מעשיך יהיו לש"ש** [לשם שמים].

یعنی از دعا به ۲۴۸ فرمان ایجابی، [یعنی] ۲۴۸ اندام، و نیز به همه کردارهای انسان، به شیوه «و همه کارهایت برای خاطر آسمان باشد».

11 ולכן אם העסק בהיתר עד"ז יוכל למחר לחזור ולעלות מהאברים אל הלב להיות ואהבת בכל לבבך

بنابراین، اگر اشتغال به امور مجاز به این شیوه باشد، روز بعد می‌تواند بار دیگر از اندامها به سوی قلب بازگردد و بالا رود، تا «و با همه دلت محبت بورز» تحقق یابد.

אבל אם נכשל באיזה עון ה"ז [הרי זה] **כמו מכה באיזה אבר המונע ומעכב ההעלאה ונפסק הקשר**

اما اگر به گناهی بلغزد، این مانند زخمی در یکی از اندامهاست که مانع صعود می‌شود و آن را به تأخیر می‌اندازد، و پیوند گسسته می‌شود.

וזהו חולי הנפש וע"ז אמר מכף רגל ועד ראש אין בו מתום פצע וחבורה כו'

و این بیماری روح است؛ درباره آن گفته شده است: «از کف پا تا سر، هیچ جای سالمی در آن نیست: زخم‌ها و کوفتگی‌ها»، و مانند آن.

ואין תקנה כ"א ע"י תשובה שנקראת רפואה כמארז"ל [כמאמר רבותינו זכרונם לברכה] **גדולה תשובה שמביאה רפואה לעולם והיא בחי' בכל מאדך שמבחי' זו נמשך רפואה אם ח"ו [חס ושלום] יש קלקול בבחי' אהבה דבכל לבבך.**

و هیچ درمانی جز از راه بازگشت (תשובה, teshuvah) نیست؛ بازگشتی که درمان خوانده می‌شود، چنان‌که حکیمان ما، که یادشان مبارک باد، گفته‌اند: «بزرگ است تשובה، زیرا برای جهان درمان می‌آورد.» و این همان مرتبه «با همه توان» است؛ زیرا اگر، زبانم لال، در مرتبه عشق «با همه دلت» آسیبی پدید آید، درمان از این مرتبه جاری می‌شود.

כי תשובה קדמה לעולם פי' שממשיך אור מבחי' שלמעלה מכל החיות דהשתלשלות העולמות והיינו ע"י מאדך בחילא יתיר.

زیرا تשובה پیش از جهان بوده است؛ یعنی نوری را از مرتبه‌ای فراتر از همه نیروی حیات زنجیره نزولِ عوالم (השתלשלות, hishtalshelus) به پایین می‌کشاند — و این به واسطه «توان تو»، با نیرویی افزون‌تر، صورت می‌گیرد.

12 ולכן ביכולת המשכה זו לתקן הפגם והקלקול שבסיבוב והילוך روح החיות מהלב אל האברים שהוא

בחי' האור וחיות המחי' [המחיה] עולם שנה נפש בחי' מל' מכ"ע [ממלא כל עלמין] שנק' לבי כנ"ל

ازاین‌رو، این افاضه می‌تواند آسیب و خللی را که در گردش و جریان روح حیات از قلب به اندام‌ها پدید آمده است، ترمیم کند؛ یعنی مرتبه نور و نیروی حیات (חיות, chayus) که به «عالم، سال و نفس» حیات می‌بخشد؛ مرتبه فرمانروایی (ملכות, Malchus)، یعنی ממלא כל עלמין، نوری که همه عوالم را پر می‌کند (memalei kol almin)، و چنان‌که پیش‌تر گفته شد، «قلب من» نامیده می‌شود.

וכיון שע"י תשובה נמשך בחי' ממעמקי' [مמעמקים] מגלה עמוקות מה שהוא נמשך אור חדש ומחודש

ע"כ חוזר ומחדש החיות כו' (ותקון המכה הוא ע"י הוידוי דברים אשמנו בגדנו כו'):

و چون به واسطه بازگشت، مرتبه «از ژرفاها» افاضه می‌شود — «ژرفاها را آشکار می‌کند» — یعنی نوری تازه و نوپدید افاضه می‌شود، ازاین‌رو نیروی حیات را دوباره تازه می‌کند و الی آخر. (و ترمیم زخم از طریق اعتراف زبانی است: «گناه کرده‌ایم، خیانت ورزیده‌ایم» و الی آخر.)

13 והנה התורה נק' ג"כ רפואה לנפש כמ"ש ולכל בשרו מרפא והיינו ג"כ משום דהתורה קדמה לעולם

שבה ועל ידה נמשך ג"כ אור חדש מלמעלה מהשתלשלות

אکنون תورات نیز شفاي نفس خوانده می‌شود، چنان‌که نوشته شده است: «و برای تمامی تنی او درمان است.» و این نیز از آن روست که تورات پیش از جهان بوده است؛ ازاین‌رو در آن و به‌واسطه آن نیز نور تازه‌ای از ورای زنجیرهٔ نزولِ عوالم (השתלשלות, hishtalshelus) فروفرستاده می‌شود.

וזהו ביום חתונתו זו מ"ת [מתן תורה] פי' כי התפלה נק' עבודה שבלב והוא ענין שמחת לבו

و این معنای «در روز عروسی او – این، بخششِ تورات است» می‌باشد. توضیح آنکه نماز «خدمتِ دل» خوانده می‌شود و همان معنای «شادمانیِ دلِ او» است؛

وبלב הוא יסוד האש שהוא העלאה מלמטה למעלה אך יסוד המים הוא במוח ובו שורה כח התענוג שבנפש כי מים מגדלים כל מיני תענוג והתענוג הוא למעלה מהשמחה.

و در دل، عنصرِ آتش است که بالا رفتن از پایین به بالاست؛ اما عنصرِ آب در مغز است و نیروی لذت (תענוג, taanug) نفس در آن جای دارد، زیرا آب انواعِ لذت را می‌پروراند؛ و لذت از شادی برتر است.

14 והנה עד"מ הטפה נמשכת מיסוד המים שבמוח ובה מתלבש מעצם השכל והתענוג שבנפש ולכן עי"ז

נעשה הולדה חדשה להוליד בדומה לו והיינו דוקא ע"י התלבשותה בטיפה גשמית משא"כ בדבור כו'

اکنون، برای مثال، قطره از عنصرِ آبِ مغز امتداد می‌یابد و در آن [چیزی] از جوهرِ عقل و لذتِ نفس پوشیده می‌شود؛ ازاین‌رو به‌واسطه آن تولدی تازه رخ می‌دهد و فرزندی همانند خود به دنیا می‌آورد؛ و این فقط از آن روست که در قطره‌ای جسمانی پوشیده شده است، برخلاف گفتار و جز آن.

כמו"כ [כמו כן] ע"י התלבשות התורה בעשיי' [בעשייה] גשמיות היום לעשותם יומשך עי"ז אור חדש

ממש מאור א"ס ב"ה מלמעלה מההשתלשלות.

همچنین، از راه پوشیده‌شدنِ تورات در اعمالِ جسمانی – «امروز برای انجام دادنشان» – نوری کاملاً تازه از نورِ بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof) (ה' متبارک باد)، از فرازِ زنجیرهٔ نزولِ عوالم (השתלשלות, hishtalshelus) به پایین کشیده خواهد شد.

15 וז"ש [וזהו שכתוב] **אין כל חדש תחת השמש משא"כ עמלא דאורייתא דהוא לעילא מן שמשא ממשיך**
אור חדש כי ס"ר אותיות התורה הן אותיות המחשבה.

و این همان است که گفته شده است: «زیر خورشید هیچ چیز تازه‌ای نیست»؛ اما کوشش در تورات، که حقیقتاً فراتر از خورشید است، نوری تازه فرومی‌کشد. زیرا ۶۰۰٬۰۰۰ حرفِ تورات، حروفِ اندیشه‌اند.

והרי במחשבה א' צופה ומביט כו' והתורה היא מבחי' מאד עמקו מחשבותיך עמקו דוקא בחי' עומק
המחשבה וכמו גבי תשובה כתיב ממעמקים והיינו דוקא ע"י התלבשות התורה בגשמיות וכמשל הנ"ל.

و اینک، با یک اندیشه، می‌بیند و می‌نگرد و غیره. تورات از مرتبهٔ «اندیشه‌های چه ژرف‌اند» است – «ژرف» به‌طور خاص، یعنی مرتبهٔ ژرفای اندیشه؛ و دربارهٔ بازگشت (تשובה، teshuvah) نیز نوشته شده است: «از ژرفاها». و این به‌طور خاص از آن‌روست که تورات در امور مادی پوشیده می‌شود، همان‌گونه که در تمثیل پیش‌گفته آمده است.

16 ופי' וענין אור חדש הוא כי הנה ידוע דשרש כל ההשתלשלות דאבי"ע [דאצילות בריאה יצירה עשיה] **הוא**
נמשך מבחי' הקו"ח [הקו וחוט] **وهוא נמשך ע"י צמצום ומק"פ** [وَمَقוْم פנוי] **מתחלה ونמשך אח"כ רק קו**

معنا و مقصود «نوری تازه» این است: معروف است که ریشهٔ تمام زنجیرهٔ نزولِ عوالم (השתלשלות, hishtalshelus)—یعنی عالمِ صدور (אצילות, Atzilus)، عالمِ آفرینش (בריאה, Beriah)، عالمِ صورت‌بخشی (יצירה, Yetzirah) و عالمِ عمل (עשיה, Asiyah)—از مرتبهٔ خطِ نور (קו, kav) و رشته (חוט, chut) سرچشمه می‌گیرد؛ و این جریان، در آغاز، از راهِ انقباض (צמצום, tzimtzum) و فضای خالی صورت می‌گیرد و پس از آن تنها خطی فرود آورده می‌شود.

ולכן כל מה שנמשך מבחי' הארת הקו לא נק' אור חדש ממש כו' אך אור הנמשך מעצמות אא"ס [אור אין
סוף] **שלמעלה מהחלל והקו נק' אור חדש וכמארז"ל** [וכמאמר רבותינו זכרונם לברכה] **על ד"ת** [דברי תורה] **בכ"י**
[בכל יום] **יהיו בעיניך כחדשים כו'**

ازاین‌رو، هر آنچه از مرتبهٔ تابشِ خطِ نور کشیده می‌شود، حقیقتاً «نور تازه» نامیده نمی‌شود و مانند آن؛ اما نوری که از ذاتِ نورِ بی‌پایان (اَورِ اَینِ سוף, Or Ein Sof)، که فراتر از فضای خالی و خطِ نور است، کشیده می‌شود، «نوری تازه» نام دارد. و چنان‌که حکیمان ما، که یادشان گرامی باد، دربارهٔ سخنان تورات گفته‌اند: «هر روز در چشمانت همچون تازه باشند» و مانند آن.

ולכן נק' חתך חות دרגא מדلג על ההרים בחי' دילוג מלמעלה מהשתלשלות כו' ולכן בקרבנות הנשיאים
הוכפל בתורה בכ"א [بכל אחד / בכל אחת]

ازاین‌رو [او] «داماد» (حاتך, chasan) خوانده می‌شود—«یک مرتبه فرود آی» (חות دרגا, chus darga)—و «بر کوه‌ها می‌جهد»؛ یعنی جهشی از فراسوی زنجیرهٔ نزول و مانند آن. ازاین‌رو نیز در قربانی‌های امیران، تورات شرح را برای هر یک جداگانه تکرار کرد.

ולא אמר וכן הקריב נשיא פלוני אלא משום דאעפ"י [דאף על פי] שצירופי האותיות שבכל קרבן של כל הנשיאים שוין הן ממש מ"מ האור המלוּבש בהן הוא בכ"א [בכל אחד / בכל אחת] בחי' אור חדש ממש וכמו שלשים ומאה משקלה שהם ה' שמות הוי"ה

ו נגفت: «ו فلان امير نیز چنین تقدیم کرد»؛ بلکه [علت این است] که هرچند ترکیب حروف در قربانی هر یک از همه امیران دقیقاً یکسان است، با این همه نوری که در آنها پوشیده شده، در هر یک جنبه نوری حقیقتاً تازه است. و مانند «وزنش یکصد و سی بود» که برابر با پنج نام چهارحرفی (ה', Havayah) است:

הנה בכל קרבן של נשיא נמשך בחי' ה' שמות דהוי"ה חדשים מעצמות המאציל מה שלא נמשך כן בשל נשיא שלפניו כו' ע"ד ממעמקים קראתיך הוי"ה:

در قربانی هر امیر، جنبه پنج نام تازه ه' از ذات مبدأ فیض فرود آورده می‌شد؛ چیزی که در قربانی امیر پیش از او به این صورت فرود نیامده بود و مانند آن — همچون «از ژرفاها تو را خوانده‌ام، ه'».

17 וזהו צאנה וראנה פי' צאנה ממקום שרשם למעלה בג"ע [בגן עדן] להתלבש בעוה"ז הגשמי כי דוקא היום לעשותם בעוה"ז אז יומשך ע"י התורה אור חדש ומחודש כו' משא"כ למעלה ברוחניות כנ"ל:

و این [معنای] «بیرون آییید و بنگرید» است: «بیرون آییید» از جایگاه ریشه خود در بالا، در باغ عدن (גן עדן, Gan Eden)، تا در این جهان جسمانی پوشیده شوید. زیرا دقیقاً [از طریق] «امروز برای انجام دادن آنها» در این جهان است که نوری تازه و نوپدید از راه تورات (תורה, Torah) فرود خواهد آمد و غیره؛ اما در بالا، در ساحت روحانی، چنین نیست، چنان‌که پیش‌تر گفته شد.

18 במלך שלמה במלך שהשלום שלו פי' ע"י שנמשך אור חדש מלמעלה מהשתלשלות נעשה בחי' שלום והתחברות ב' הפכים משפיע ומקבל אש ומים. ולכן ארז"ל [אמרו רבותינו זכרונם לברכה] העוסק בתורה משים שלום בפמשמ"ע [בפמליא של מעלה] ובפמשמ"ט [ובפמליא של מטה].

«بر پادشاه شلومو (שלמה)»؛ یعنی: «درباره پادشاهی که صلح (shalom) از آن اوست». توضیح آن این است که با کشیده شدن نوری تازه از فراز زنجیره نزول عوالم (השתלשלות, hishtalshelus)، جنبه‌ای از صلح و پیوند دو امر متضاد پدید می‌آید: بخشنده و گیرنده، آتش و آب. از این رو حکیمان ما که یادشان مبارک باد گفتند: «هر کس به تورا مشغول شود، در خاندان آسمانی و خاندان زمینی صلح برقرار می‌کند.»

כי הנה מלכות דאצי' נעשה עתיק לבריאה ומחבר אצי' עם בריאה אף שאצי' ובריאה הם ב' הפכים

זיכר פרמאנוואיי (מלכות, Malchus) عالم صدور (אצילות, Atzilus) به عتيق (עתיק, Atik؛ «کهن سال») عالم آفرینش (בריאה, Beriah) بدل می شود و عالم صدور را با عالم آفرینش پیوند می دهد، هرچند عالم صدور و عالم آفرینش دو امر متضادند.

והכח הזה בבחינת מל' דאצי' הוא להיות כי נעוץ סופן בתחלתן ושרשה מבחי' כתר שהוא בחי' תחתונה שבמאציל ע"כ ביכולתה לחבר אצי' עם ביי"ע.

و این توان در مرتبه فرمانروایی عالم صدور وجود دارد، زیرا «پایان آنان در آغازشان فرو رفته است» و ریشه آن از مرتبه تاج است، که پایین ترین مرتبه مُفیض است؛ ازاین رو می تواند عالم صدور را با عوالم آفرینش، صورت بخشی (יצירה, Yetzirah) و عمل (عשה, Asiyah) پیوند دهد.

וכידוע בענין המשל ופחד עמו ע"כ עושה שלום במרומיו כו'. וזהו מלך שהשלום שלו היינו בחי' מלכות דא"ס שכל השלומות נמשכים משם:

و چنان که درباره «فرمانروایی و هیبت نزد اوست» شناخته شده است، ازاین رو «در بلندی های خود صلح برقرار می کند» و الی آخر. و این همان «پادشاهی است که صلح از آن اوست»؛ یعنی مرتبه فرمانروایی بی نهایت مطلق (אין סוף, Ein Sof)، که همه [گونه های] صلح از آن کشیده می شوند.



دربارهٔ این نسخه

.the English translation و This edition contains the Hebrew text

The Hebrew text of Torah Ohr: © Kehot Publication Society, via Sefaria, CC BY-NC 4.0; formatting adapted.

.Our English translation, made from the Hebrew without Kehot's notes: CC BY-NC 4.0

This edition as a whole: CC BY-NC 4.0. Shuls, schools and non-profit projects may copy, print and share it freely, and may ask for donations to cover the cost of printing; it may never be sold. Credit Kehot Publication Society and likuteitorah.com. <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

ترجمه و شرح انگلیسی: با کمک هوش مصنوعی (openai/gpt-6-luna-pro:batch) برای likuteitorah.com تهیه شده و با متن عبری و سفاریا مقابله شده است؛ هنوز ویراستار انسانی آن را بازبینی نکرده است. لطفاً هر مطلب مهمی را با متن عبری مقابله کنید.

ربه خواست که ماماریم پارشای آن هفته، «پارشای حسیدی»، در همان هفته و در طول هفت روز آن آموخته شوند (Sichah of Shabbos Parshas Vayakhel 5725 · Toras Menachem vol. 42, pp. 306–309 /parsha). چرا آن را بیاموزیم و برکات ربه: likuteitorah.com/about/the-chassidishe-parsha

پروژه‌ای رایگان و غیرتجاری؛ هیچ‌چیز در اینجا فروخته نمی‌شود. وابسته به Kehot, Sefaria یا کتابخانهٔ لوباوویچ نیست. © likuteitorah.com

از likuteitorah.com/fa/torah-ohr/bereishis/10/

تقدیم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربه، رب لیوی بیتسخاک